

نامه‌ای مشترکین

پس از گذشت 20 سال از همکاری تاریخی بین ایالات متحده آمریکا، اروپا و مردم افغانستان، افغانستان در یک نقطه تاریخی دیگری قرار گرفته است. ایالات متحده و متحدان آن در ناتو ضمن وعده حمایت مستمر از دولت افغانستان و نیروهای امنیتی و دفاعی آن، خروج نیروهای شان را از افغانستان اعلام کرده اند. این تصمیم اساساً پویایی جستجوی صلح پایدار در افغانستان را تغییر می دهد. میلیون ها افغان از آنچه روزهای آینده می تواند به ارمغان بیاورد هراس دارند.

پس از چندین دهه درگیری خشونت آمیز، مذاکرات بین افغانها آغاز گردیده و در جریان است، اما مسیر پیشرفت نامعلوم است. موارد زیادی در معرض خطر اند:

- دستاوردهای که بسیار با دشواری در راستای ایجاد نظم دموکراتیک در قالب قانون اساسی به دست آمده،
- حقوق زنان برای کار، تحصیل و مشارکت در زندگی عمومی،
- آینده جوانان افغانستان، که تلاش دارند یک کشور ویران شده را با وجود احتمالات فوق العاده دشوار بازسازی کنند،
- امنیت در افغانستان، منطقه و فراتر از آن، که با افزایش بالقوه شبکه های تروریستی جدید تهدید می شود.

در این مقطع حساس، ما معتقدیم که اکنون زمان ابراز همبستگی و تعهد بلند مدت با مردم افغانستان است. در غیر این صورت، خطر قابل توجهی برای بازگشت به جنگ داخلی وجود دارد که می تواند دستاوردهای بدست آمده را از بین ببرد، زمینه را برای فعالیت گروه های تروریستی مساعد بسازد و بحران بشری و پناهندگی گسترده ای را ایجاد کند.

گفتگوهای استراتژیک شورای اتلانتیک و صندوق برادران راکفلر در هشت ماه گذشته برای ایجاد چشم انداز استراتژیک بلند مدت برای رشد ثبات در افغانستان مطابق با منافع و ارزش های افغانستان، ایالات متحده و اروپا تلاش کرده است. این گروه که شامل دیپلمات ها، افسران نظامی، دانشمندان و تحلیل گران اروپایی، امریکایی و افغان می باشد، با درک عمیقی از واقعیت ها به گفتگوهای ما پرداختند. ما یک چارچوب امنیتی-دیپلماتیک را بر اساس شرایط و متغیرهای حداقلی لازم برای تحقق چشم انداز دراز مدت برای یک افغانستان دارای حاکمیت ملی، متحد، دموکراتیک،

صلح آمیز و مرفه بررسی کردیم و برای حمایت از این چشم انداز توصیه های ارائه کردیم.

در حالی که شرکت کنندگان در گفتگوی استراتژیک در مورد حکمت تصمیم‌های گرفته شده توسط ایالات متحده و ناتو نظرهای متفاوت دارند، آنها کاملاً توافق دارند که خروج نیروها "جنگ ابدی" را برای افغانها یا منطقه پایان نمی دهد. بنابراین ما متعهدیم که یک چشم انداز بلند مدت برای مشارکت بین افغانستان، ایالات متحده و اروپا ارائه دهیم. ایالات متحده و متحدان اروپایی آن هنوز طیف وسیعی از ابزارها - دیپلماتیک، مالی، سیاسی و اقتصادی - را در اختیار دارند. آنچه مورد نیاز فوری است مجموعه اقدامات هماهنگ برای کاهش پیامدهای احتمالی امنیتی و سیاسی خروج نظامی به عنوان بخشی از برنامه تحکیم صلح و ثبات در افغانستان است.

نخست، حمایت از نیروهای ملی دفاعی و امنیتی افغانستان اکنون بیش از هر زمان دیگری حیاتی است. ما باید بلافاصله برنامه ریزی را با شرکای افغان خود آغاز کنیم تا بتوانیم این نیروها را برای تأمین نظم قانونی، محافظت از شهروندان، دفاع از مرزهای کشور و مهار تروریسم آماده سازیم.

در حالیکه طالبان و گروه‌های تروریستی حملات شان را افزایش داده اند، نیروهای ملی دفاعی و امنیتی افغانستان در چندین جبهه با تهدیدهای متعددی قویا می‌رزمند. کمک های امنیتی و مالی برای تضمین اینکه نیروهای غیرسیاسی و حرفه‌ای دفاعی و امنیتی افغانستان ابزاری برای وحدت ملی باقی مانده و قادر به حفظ امنیت و دفاع از کشور مطابق با اصول حقوق بشر باشد، حیاتی خواهد بود. نیروهای ملی دفاعی و امنیتی افغانستان شرکای ما در مبارزه با تروریسم اند و برای مهار تهدیدها این وضعیت باید حفظ شود.

دوم، یک رویکرد جدید مشارکت طولانی مدت با افغانستان مبتنی بر احترام متقابل و منافع مشترک برای پیشرفت امنیت، عدالت، حقوق بشر، حکومتداری دموکراتیک و ثبات حیاتی می‌باشد. اقدامات کوتاه مدت باید در حمایت از توانایی دولت افغانستان برای ارائه محافظت، حکومتداری و خدمات عامه برای شهروندان باشد. حمایت از تقویت نهادهای کلیدی افغانستان برای مهار خشونت، دستیابی به ثبات، پرورش حاکمیت قانون و پایداری توسعه حیاتی می‌باشد.

سوم، با خروج نیروهای نظامی از افغانستان، ایالات متحده، اتحادیه اروپا و جامعه جهانی باید تلاش های دیپلماتیک خود را در سطح منطقه دو برابر کنند. برای ایجاد فشار بالای طالبان برای اشتراک سازنده در مذاکرات، به یک پروسه پایدار دیپلماتیک منطقه‌ای در سطح بالا نیاز است. ایالات متحده، اروپا و سایر شرکای بین المللی باید از تمام اهرمهای

موجود برای فشار بر کشورهای منطقه برای حمایت از صلح پایدار در افغانستان استفاده کنند. کشورهای منطقه، به ویژه پاکستان، در صورت سرسختی طالبان توانایی اعمال نفوذ را دارند. سایر کشورها مانند چین و روسیه نیز می

توانند نقش مهمی داشته باشند، طوری که توسط جلسه اخیر "ترویج‌های توسعه یافته" در مسکو که در آن شرکت کنندگان مخالفت خود را با احیای امارت اسلامی طالبان برای افغانستان ابراز داشتند دیده شد.

چهارم، تأمین آتش بس سرتاسری باید یک اولویت کلیدی باشد. ما خواسته صریح و گسترده مردم و قربانیان جنگ افغانستان را برای صلح عادلانه و پایدار دیده ایم. افغان ها اکنون باید روند صلح را خود پیش ببرند و از اهرم‌های که به دست دارند، از جمله آزادی زندانیان، در مرحله درست مذاکرات استفاده کنند. برای اطمینان از موفقیت آن، روند صلح باید با سیستم‌های هشدار به موقع همراه باشد تا از طریق نظارت بین المللی از خشونت جلوگیری کند. بر علاوه، سازمان ملل متحد نه‌باید طالبان را تا زمانی که آنها به یک آتش بس تایید شده متعهد نشده اند از لیست تحریم‌های سازمان ملل حذف کند. اگر طالبان به دنبال مشروعیت بین المللی هستند، باید نشان دهند که با پایان دادن به خشونت علیه مردم افغانستان می توانند در جهت منافع آن‌ها عمل کنند.

آنچه که غالباً در بحث های سیاسی در مورد افغانستان گم است، یک چشم انداز آرمانی روشن و مشترک برای آینده افغانستان است. ما توصیه های اصلی گفتگوهای استراتژیک را در "منشور فرا قاری در مورد حاکمیت، امنیت و توسعه افغانستان" خلاصه کرده ایم. این منشور به عنوان یک نقشه راه در نظر گرفته نشده است، بلکه ممثل روحیه‌ای است که ما برای آن گرد هم آمده‌ایم و امیدواریم که در آینده افغانستان محقق شود.

ما این سند را با فروتنی ارائه می‌دهیم زیرا می‌دانیم که گزینه‌های دشواری در پیش است. پایان سختی‌ها و خشونت در دید نیست. ما معتقدیم که فروپاشی دولت و از دست دادن پیشرفت‌های که با دشواری در بسیاری عرصه‌های زندگی افغانستان بدست آمده اند، اجتناب ناپذیر نیست. آنچه در افغانستان اتفاق می‌افتد، بالای همه‌ای ما تأثیر خواهد گذاشت. امنیت، منافع و ارزشهای مشترک ایالات متحده، اروپا و افغانستان در معرض خطر اند. اکنون، بیش از هر زمان دیگر، ما باید با همه افغان‌ها همکاری کنیم تا از بدترین‌ها جلوگیری نموده بهترین‌ها را برای افغانستان، و برای جهان، انجام دهیم و از تمامی فداکاری‌ها پاسداری نماییم.

منشور فراقاره‌ای در مورد حاکمیت، امنیت و توسعه افغانستان

مقدمه:

1. با تأکید مجدد بر اهمیت روابط افغانستان، اروپا و ایالات متحده آمریکا به عنوان دوستان، متحدان و شرکای استراتژیک و با درک مزایایی که همکاری و هماهنگی نزدیک برای منافع مشترک ما و ارزش‌های ملت‌ها و مردمان‌ما به همراه دارد؛
2. با ارج به فداکاری‌ها و تلاش‌های چشمگیر افغان‌ها، آمریکایی‌ها، اروپایی‌ها و متحدان و شرکای ناتو برای تامین صلح، دموکراسی و ثبات در افغانستان و منطقه و ضمن تأیید کمک‌های مهم و فداکاری‌های سایر شرکای بین‌المللی و با استقبال از ادامه تعامل بسیاری از کمک‌کنندگان و حامیان افغانستان که نسبت به آینده این کشور متعهد شده اند؛
3. با حفظ و توسعه دستاوردهای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی که در طول ۲۰ سال گذشته توسط مردم افغانستان به دشواری به دست آمده است؛
4. با درک این واقعیت که زنان در جنگ‌ها بسی رنج برده‌اند، اما در دستیابی به دستاوردهایی که به دشواری حاصل شده پیش‌تاز و در همه بخش‌های جامعه فعال هستند؛
5. با تأیید بر اهمیت نیروهای دفاعی و امنیتی افغانستان برای پیشبرد صلح و امنیت در کشور و دفاع در برابر تهدید مشترک تروریسم و ادامه اهمیت حمایت بین‌المللی از این نیروها؛
6. با درک امکان اصلاحات مقتضی زمان در اجرای این منشور، به‌ویژه در حمایت از افزایش خودکفایی افغانستان؛

این طرح ارایه می‌شود:

بخش ۱: اهداف

1. چشم‌انداز مشترک افغانستان اسلامی، دارای حاکمیت ملی، صلح‌آمیز، یک‌پارچه، دموکراتیک، کثرت‌گرا و شکوفا.
2. مشارکتی جدید و درازمدت که فرا قاره‌ای با مردم افغانستان، نهادها و رهبران منتخب آنها، و جامعه مدنی کشور شکل گیرد.
3. فرایندی فوری و در سطح بالا، و روند دیپلماتیکی پایدار به رهبری سازمان ملل متحد، برای ایجاد و تحکیم اجماع منطقه‌ای برای رسیدن به هدف نهایی و تعهدات خاص در حمایت از تحقق چشم‌انداز عدم مداخله، حاکمیت ملی و تمامیت ارضی برای افغانستان.
4. تعاملی هماهنگ و پایدار با جامعه جهانی در کوتاه مدت که شامل حضور امنیتی، در حمایت از دولت افغانستان در مذاکرات صلح با طالبان هم می‌شود.

بخش ۲: اصول

1. آینده افغانستان بستگی به تصامیم افغان‌ها بر اساس نظم قانون اساسی و فرهنگ مشارکت، کثرت‌گرایی و احترام به تنوع و حقوق برابر و اهمیت حیاتی به نیازمندی‌ها و صدای مردم دارد.
2. گرچه ممکن است یک روند سیاسی به تشکیل یک دولت انتقالی نیاز داشته باشد، ضروری است که ابزارهای ایجاد چنین دولتی نظم قانون اساسی، نهادهای اصلی افغانستان و اهمیت انتخابات معتبر و شفاف را خدشه‌دار نکند. تعیین توالی تشکیل دولت انتقالی، انتخابات و هرگونه بازنگری در نظم قانون اساسی باید توسط طرف‌های مذاکرات بین‌الافغانی انجام شود.
3. احترام و حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، از جمله آزادی مذهب، اجتماعات، جنبش‌ها و بیان، و اصل برابری شهروندان و حمایت از اقلیت‌ها، با تأکید بر حق زنان به

حیث اعضای کامل و برابر جامعه. هر دولت جدیدی، انتقالی یا نوع دیگر، باید به تعهدات بین‌المللی خود به‌عنوان یک عضو سازمان ملل متحد و به‌عنوان یک کشور امضاکننده معاهدات و میثاق‌ها احترام بگذارد.

4. تعهد و حمایت از نسل جدید افغان‌ها که به‌طور فزاینده‌ای مسئولیت‌هایی را در دولت، جامعه مدنی و بخش خصوصی به عهده می‌گیرند.

5. حمایت مداوم از حاکمیت قانون، توسعه اقتصادی و رشد بخش خصوصی چنانکه بتواند معیشت و فرصت‌هایی را برای جامعه افغانستان فراهم کند، به ویژه جمعیت رو به رشد جوانان، افغان‌ها را قادر می‌سازد تا به خودکفایی برسند و احساس وقار ملی را باز یابند.

6. سرپرستی و مالکیت دقیق و مسئولانه افغان‌ها بر منابع، از جمله منابع سرشار طبیعی افغانستان، با هدف حمایت از حکومتداری خوب، توسعه و ثبات.

7. احترام و حمایت از تمامیت ارضی، استقلال سیاسی، ثبات و حاکمیت ملی افغانستان برای دفاع مسئولانه از خود و تسهیل توانایی آن برای کمک به امنیت منطقه‌ای و جهانی.

8. مشاوره، هماهنگی و تعامل مداوم و موثر جامعه جهانی با شرکای افغان، از جمله حمایت از نقش مهم سازمان ملل متحد و سایر نهادهای چند جانبه، و همچنین ارتباطات شفاف، هماهنگ و سازگار با ایالات متحده آمریکا، اروپا، افغانستان، و مردم منطقه.

بخش ۳: تعهدات جامعه فراقاره‌ای در مشارکت با مردم افغانستان، نهادهای دولتی و امنیتی آنها و جامعه مدنی افغانستان

1. خروج نیروهای بین‌المللی از افغانستان، همانطور که ایالات متحده و ناتو اعلام کرده اند، باید منظم، هماهنگ و آگاهانه باشد.

2. پشتیبانی مالی طولانی مدت ایالات متحده، ناتو، اتحادیه اروپا و سایر کشورها از نیروهای ملی دفاعی و امنیتی افغانستان (از جمله پلیس ملی)، در چارچوب یک افغانستان اسلامی، دارای حاکمیت ملی، یکپارچه و دموکراتیک.

3. حمایت شدید از مذاکرات صلح افغانستان برای پایان دادن به خشونت و دستیابی به یک توافق سیاسی و دولتداری فراگیر.

4. تعیین میانجی بین المللی برای مذاکرات صلح در صورت توافق طرفین برای کمک به آنان در دستیابی و اجرای توافق سیاسی.
5. ناظران بین المللی برای حفظ آتش بس و گزارش دهی در مورد چگونگی رعایت سایر مفاد توافق نامه سیاسی، در صورت درخواست.
6. نیروهای حافظ صلح برای کمک به خلع سلاح، ملکی سازی و ادغام مجدد (DDR)، در صورت درخواست.
7. کمک های بشردوستانه و انکشافی چند ساله، شامل مشوق های برای تجارت و سرمایه گذاری در بخش خصوصی، با مقررات پاسخگویی برای عملکرد دولت، به ویژه در تقویت حاکمیت قانون و کاهش فساد.
8. پشتیبانی مالی و فنی درازمدت برای توسعه ملی و اقتصاد افغانستان، با تمرکز ویژه بر حفظ دستاوردهای آموزشی، بهداشتی و امنیتی، از جمله تلاش های جدی برای ریشه کن کردن قاچاق مواد مخدر، ایجاد زیرساخت های حیاتی و گسترش ارتباطات منطقه ای افغانستان با همسایگان.
9. تعامل پایدار دیپلماتیک با همسایگان افغانستان و سایر بازیگران که دارای منافع و نفوذ در این کشور اند برای پایان دادن به حمایت از گروه های غیرمسئول و تحکیم صلح و دستاوردهای اقتصادی در منطقه.

بخش ۴: روشها

1. تشکیل یک گروه فراقاره ای به عنوان «دوستان افغانستان» متشکل از نمایندگان سطح بالای ایالات متحده آمریکا، اتحادیه اروپا، ناتو و سایر شرکای مهم برای افزایش هماهنگی و همسویی در زمینه سیاست، دیپلماسی و ارتباطات.
2. مشاوره مداوم و منظم بین «دوستان» و دولت و رهبری سیاسی افغانستان.
3. ارتباط و تعامل مداوم و منظم با مردم و جامعه مدنی افغانستان، به ویژه زنان و جوانان.
4. پشتیبانی از نقش فرستاده ویژه دبیرکل سازمان ملل متحد (PESG) به عنوان فرستاده صلح منطقه ای، برای ایجاد اجماع منطقه ای در مورد آینده افغانستان طبق توافق نامه های چندجانبه و دوجانبه خاص در زمینه حاکمیت، عدم مداخله، همکاری اقتصادی و سازوکارهای حل اختلاف. دیپلماسی منطقه ای باید شامل روسیه، چین، پاکستان، ایران، هند و ایالات متحده به علاوه کشورهای مهمی مانند کشورهای آسیای میانه و شورای همکاری خلیج فارس و سایر

کشورهایی باشد که توسط فرستاده ویژه با مشورت جمهوری اسلامی افغانستان تعیین شده است.

5. پشتیبانی از فرستاده ویژه دبیرکل (SSRG) و رئیس یوناما، با مأموریت تقویت دولت افغانستان، پیشبرد حاکمیت قانون و مبارزه با فساد، تعامل با جامعه مدنی، زنان و جوانان و حمایت/ارائه انتخابات و همچنین کمک به هر روندی برای اصلاح قانون اساسی که ممکن است در مذاکرات بین‌افغانی تعیین شود.